گفت‌وگوی «جوان» با پدر پاسدار شهید فرشید کریمی از شهدای تجاوز نظامی امریکا و رژیم‌صهیونیستی به کشورمان

پسرم در حالی شهید شد که چشم به راه تولد فرزندش بود

تشییع پیکر شهید فرشید کریمی

■ علیرضا محمدی

شهید فرشید کریمی از شهدای تجاوز نظامی امریکا و رژیم‌صهیونیستی به کشورمان است که روز دوم تیرماه در همدان به شهادت رسید. او در زمان شهادت یک پسر چهار ساله داشت و فرزند دیگری که هنوز به دنیا نیامده است. پسر دوم فرشید چند ماه دیگر متولد می‌شود، در حالی که پدرش چشم انتظار دیدن او بود و این چشم انتظاری به قیامت موکول شد. شهید کریمی به عنوان یک پاسدار در بسیج خدمت می‌کرد و فرماندهی حوزه لالجین را برعهده داشت. بعد از شهادتش نه تنها مردم همدان که مردم لالجین و بهار نیز در تشییع پیکر این فرمانده شهید سنگ تمام گذاشتند. فرشید کریمی رزمنده پاسداری بود که مثل دیگر رزمندگان کشورمان به مقابله با شقی‌ترین دشمنان اسلام پرداخت و نهایتاً سعادتی چون شهادت را برای خود رقم زد. در گفت‌وگو با شادعلی کریمی، پدر شهید برگ‌هایی از زندگی و خاطرات او را ورق زدیم.

چند فرزند دارید و آقا فرشید فرزند چندم خانواده بود؟

با شهید چهار پسر داشتم و ایشان پسر ارشد خانواده بود. سال ۶۶ خدا این امانتی را به ما داد و ۳۷ سال بعد هم با شهادت از ما پس گرفت. خیلی پسر خوبی بود. من نمی‌توانم از خوبی‌هایش بگویم، از دیگران بپرسید که او چطور آدمی بود و چه کارهای خیری انجام می‌داد. فرشید را نمی‌شود با چند جمله توصیف کرد. هر چه بگویم کم است. ایمان و تربیت و فعالیتش زبانزد بود. از سن هفت سالگی روزه می‌گرفت، نماز می‌خواند و خودش را وقف دعا و عبادت کرده بود.

برای شما و مادرش چطور فرزندی بود؟

به من و مادرش واقعاً احترام می‌گذاشت. هر روز به ما سرمی زد و روزی نمی‌شد که به ما سر نزند. عید امسال داشتم نماز می‌خواندم که خم شد و پایم را بوسید. راستش در دلم کمی خجالت کشیدم. بعد از نماز به او گفتم چرا این کار را کردی؟ راضی نیستم که پایم را ببوسی. گفت خیلی دنبال فرصت بودم که پای شما را ببوسم و الان که داشتید نماز می‌خواندید بهترین فرصت برای این کار بود. آقا فرشید یک اخلاق خاص استثنایی داشت. از هر نظر پاک و صالح بود. از حیث احترام به پدر و مادرش هم که سنگ تمام می‌گذاشت. بارها پیش خودم می‌گفتم واقعاً شایستگی داشتن چنین فرزندی را داشتم؟ فرشید عاشق انقلاب بود. عاشق رهبر بود. عاشق دین بود. همسرم (مادر شهید) هم بسیار از او راضی بود. مادر شهید در یکی از گفت‌وگوهایی که درخصوص پسر شهیدمان انجام دادیم، گفته است: پسرم فرشید همیشه وقتی برای نماز می‌نشست، چفیه را روی سرش می‌گذاشت و به زیارت عاشورا پناه می‌برد، بارها دعا می‌خواند و گریه می‌کرد. فرشید هرگز به بالادستی‌ها توجه نمی‌کرد، نگاهش همیشه به نیازمندان بود. اگر کسی گرفتار بود، بی‌درنگ تلاش می‌کرد دستش را بگیرد. احترام به پدر و مادر را بالاترین وظیفه می‌دانست. هرگاه کار یا گرفتاری داشتم، فقط کافی بود تماس بگیرم، بلافاصله خودش را می‌رساند. نه تنها من، بلکه برای تمام کسانی که نیاز به کمک داشتند، آماده بود.

شغل خودتان چیست؟ شهید از حیث خانوادگی در چه فضایی رشد کرده بود؟

من بنا هستم و بعد از چند سال کار بازنشسته تأمین اجتماعی شدم، ولی اگر باز کار کاشی کاری، سنگ کاری و... پیش بیاید، انجام می‌دهم. همیشه سعی کردم با تلاش و زحمت، رزق حلالی برای خانواده تأمین کنم. ما یک خانواده مذهبی داریم و پدرم از ملاهای قدیمی بود که به بچه‌ها و جوان‌ترها قرآن یاد می‌داد. در طول عمرش شاید به ۲۰۰ نفر قرآن یاد داده بود. فرشید نوه همچین آدمی بود. خودش هم البته جنم داشت. روی تهذیب نفسش کار می‌کرد. خیلی بچه مذهبی بود. در مسجد دره‌الحسین(ع) و مسجد صاحب‌الزمان(عج) هیئت می‌رفت و کل دو ماه محرم و صفر را در این هیئت و آن هیئت حضور داشت.

نگاهش به شغل پاسداری چطور بود؟

خیلی به شغلش و خدمت در نظام علاقه داشت. خودش هم با عشق و علاقه شغلش را انتخاب کرده بود. رشته پسرم مهندسی عمران بود. یک‌بار به او گفتم چرا در رشته خودت مشغول نمی‌شوی و نظام مهندسی و رشته‌ات را ادامه بدهی. گفت من عاشق سپاه و خدمت در نظام هستم. باید همین مسیر را ادامه بدهم و هدفم شهادت است. عاقبت هم به هدفش رسید و شهید شد.

پس احتمال شهادتش را می‌دادید؟

به هرحال خدمتش در سپاه و روحیاتی که خودش داشت، باعث می‌شد فکر چنین روزهایی را هم بکنیم. فرشید کلاً با شهدا مأنوس بود. خیلی تصاویر از او داریم که به زیارت مزار شهدا رفته بود یا در تشییع پیکر شهدا شرکت می‌کرد. خصوصاً در حوزه بسیج که بود، سرکشی به خانواده شهدا و برگزاری یادواره شهدا و از این دست کارها را انجام می‌داد.

شهید چند فرزند داشت؟

یک پسر چهار ساله دارد و فرزندی که هنوز به دنیا نیامده است؛ پسر دومش هنوز به دنیا نیامده لقب فرزند شهید گرفت.

آخرین دیدارتان با آقافرشید چه زمانی بود؟

همان روز شهادتش غروب به خانه ما آمد که حدوداً ساعت هشت و نیم شب بود و یک ربع نشست. هنوز یک استکان چای نخورده بود که با او تماس گرفتند و راهی شد. نمی‌دانم چه کسی تماس گرفته بود. سریع از جا بلند شد و به راه افتاد. این آخرین دیدار ما با او بود. رفت و ساعت حوالی ۱۰ شب با اصابت موشک صهیونیست‌ها به شهادت رسید. شامگاه دوشنبه دوم تیرماه به شهادت رسید و روز بعد سه‌شنبه سوم تیرماه خبر شهادتش را به ما اطلاع دادند.

واکنش مردم نسبت به شهادت آقافرشید چطور بود؟

شهید کریمی

واقعاً مردم سنگ تمام گذاشتند. نه تنها مردم همدان که اهالی لالجین و بهار هم ما را شرمنده لطف خودشان کردند. پسرم فرمانده حوزه لالجین بود و اهالی این شهر در تشییع پیکرش شرکت گسترده‌ای داشتند. همه اینها نشان می‌دهد که مردم چه دیدگاهی نسبت به شهدای خودشان دارند.

> یک روز در باغی بودیم. فرشید رو به من گفت: بابا دعا کن شهید شوم. گفتم این حرف را نزن. گفت اگر معتاد می‌شدم و فوت می‌کردم خوب بود؟ یا اگر در تصادف بمیرم خوب است؟ بهتر است آدم با شهادت از این دنیا برود. بابا جان! دعا کن شهید شوم. بعد از شهادتش این خاطره خیلی در ذهنم مرور می‌شود

چه خاطره‌ای از پسرتان بیشتر در ذهن خودتان مرور می‌شود؟

کل این ۳۷سال زندگی‌اش برای من که پدر شهید هستم سراسر خاطره است. من و فرشید خیلی سفرها با هم رفتیم. همه جا با هم بودیم. یک روز که در باغ بودیم و با هم صحبت می‌کردیم به من گفت: دعا کن شهید شوم. گفتم این حرف را نزن. گفت اگر معتاد می‌شدم و فوت می‌کردم خوب بود؟ یا اگر بعدها تصادف کنم و بمیرم خوب است؟ بهتر است آدم با شهادت از این دنیا برود. باباجان! دعا کن شهید شوم. بعد از شهادتش این خاطره و حرف‌هایی که آن روز زد، خیلی در ذهنم مرور می‌شود. فرشید بچه دهه ۶۰ بود. بچه‌های این دهه با مفاهیم شهادت بیشتر آشنا هستند. الان هم باید مراقب باشیم تا بچه‌های نسل جدید از این ارزش‌ها دور نیفتند و فاصله‌ای بین خودشان و شهدا احساس نکنند.

سخن پایانی.

متأسفانه بعضی‌ها اینطور استدلال می‌کنند که اسرائیل با مردم عادی کشورمان کاری ندارد، در حالی که هدف اصلی صهیونیست‌ها و امریکا تجزیه ایران و از بین بردن این مملکت است. نباید اسیر تبلیغات شویم. ما همگی در این کشور زندگی می‌کنیم و وقتی کسی به ما حمله می‌کند، هدفش از بین بردن همه ما است. اگر دوباره فرشید به این دنیا برگردد، دوباره او را تشویق می‌کنم به راهی که رفته است، ادامه بدهد. یکی دیگر از پسرانم هم چند بار تلاش کرده و همچنان پیگیر است که به سپاه برود. حاضرم دو فرزند دیگر هم پاسدار و رزمنده شوند و از کشورشان دفاع کنند. من فرزندم را هدیه انقلاب کردم. اگر این راه و این مسیر را بپذیرند و ادامه بدهند، اگر قبول بیفتد، سه فرزند دیگر دارم که باز هم حاضرم تقدیم اسلام و انقلاب کنم. فرشید ارتباط قلبی ویژه‌ای با ولایت فقیه و حضرت آقا داشت. همه افتخار و حضورش را در راه حفظ ارزش‌های نظام می‌دانست. در تمام این سال‌ها، حتی زمانی که جنگ اخیر از سوی صهیونیست‌ها آغاز شد، معمولاً کمتر در خانه حضور داشت، چراکه مسئولیت حضور در جبهه و دفاع را سنگین‌تر از دیگر امور می‌دانست. او به راهی رفت که به آن راه علاقه، عشق و ایمان داشت مسیری که انتخاب کرده درست است و عاقبت خدا هم به دلش و اخلاصی که داشت، توجه کرد و او را با شهادت برد.

خاطره

تحلیل کارشناسان از احتمال آغاز جنگ بین عراق بعثی و ایران چه بود؟

اتحاد مردم ایران هر متجاوزی را پشیمان می‌کند

■ غلامحسین بهبودی

اوایل شهریور ۱۳۵۹ در حالی که عراق هر روز به مرزهای ایران تجاوز می‌کرد و بسیاری از کارشناسان سیاسی و نظامی جهان شروع یک جنگ قریب‌الوقوع بین عراق بعثی و ایران را پیش‌بینی می‌کردند، هنری کسینجر به عنوان یک سیاستمدار کهنه کار امریکایی گفته بود اگر جنگی بین دو کشور شروع شود، نهایتاً ظرف ۹ روز عراق به عنوان طرف پیروز از آن خارج خواهد شد. پیش‌بینی او از شروع جنگ درست بود، اما طرف پیروز جنگ را کاملاً اشتباه حدس زده بود، چراکه مردم ایران معادلات را برهم زدند و متجاوز را از عملکرد خود پشیمان ساختند. مردمی که اکنون نیز در صورت هرگونه تجاوزی از سوی دشمنان، تمامی تحلیل‌ها و معادلات را برهم خواهند زد.

■ **ایران در شروع جنگ**

جنگ تحمیلی عراق بعثی علیه ایران در ۳۱ شهریور ۵۹ آغاز شد. در آن زمان کمتر کسی فکرش را می‌کرد ایران بتواند در مقابل ارتش مجهز عراق بعثی دوام بیاورد، چراکه کمتر از دو سال از پیروزی انقلاب می‌گذشت و با تضعیف ارتش و نوپا بودن سپاه، این طرز فکر در بین کارشناسان رواج پیدا کرده بود که نیروهای نظامی ایران توانایی غلبه بر دشمنی که از ارتشی منظم و قوی بهره می‌برد را ندارند، اما آن چیزی که باعث شد تمامی تحلیل‌ها اشتباه از آب درآید، ایستادگی مردم ایران در کنار نیروهای مسلح بود که منجر به شکست عملیات نظامی بزرگ و گسترده بعثی‌ها شد.

■ **شگفتی در جبهه‌ها**

پس از حمله ارتش بعث عراق نیز هرچند در دو ماه اول جنگ پیشروی‌های سریعی از سوی بعثی‌ها صورت گرفت، اما مقاومت مردمی و تقویت یگان‌های نظامی سپاه و ارتش از سوی نیروهای مردمی باعث شد تا در مرحله اول دشمن متوقف شود و در مراحل بعدی، حملات برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی آغاز شود.

از شروع جنگ تحمیلی تا زمانی که خرمشهر آزاد شد، همچنان تحلیل‌ها از ناتوانی ایران برای بیرون راندن متجاوز سخن می‌گفتند. این دوره از جنگ ۲۰ ماه طول کشید، یعنی حدود دو سال همه می‌گفتند کار ایران تمام است و باید با پذیرش شکست تن به معاهده صلحی بدهد

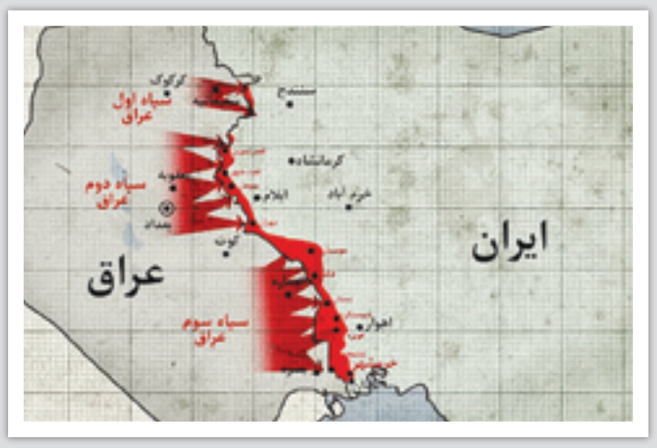

مردم ایران همواره در طول تاریخ خود نشان داده‌اند که به هرگونه تجاوز نظامی از سوی بیگانگان پاسخی قاطع خواهند داد. پاسخی درخور در عین حفظ وحدت که منجر به پشیمانی طرف مقابل می‌شود. در طول تاریخ نیز هرگاه بیگانه‌ای قصد تعدی به این سرزمین را داشت، ملت ایران از هر قشر و طرز فکری، تحت یک پرچم جمع شده و با متجاوز می‌جنگیدند.

> **از شروع جنگ تحمیلی تا زمانی که خرمشهر آزاد شد، همچنان تحلیل‌ها از ناتوانی ایران برای بیرون راندن متجاوز سخن می‌گفتند. این دوره از جنگ ۲۰ ماه طول کشید، یعنی حدود دو سال همه می‌گفتند کار ایران تمام است و باید با پذیرش شکست، تن به معاهده صلحی بدهد که به ضرر اوست، اما ایستادگی مردم ایران پشت‌سر حضرت امام حماسه ماندگاری خلق کرد**

که به ضرر اوست، اما ایستادگی مردم ایران پشت‌سر حضرت امام در حمایت از نیروهای نظامی، معجزه‌ای خلق کرد که باعث شد به رغم تمامی تسلیحات دشمن و ابرقدرت‌هایی که از او دفاع می‌کردند، ایران بتواند تا خرداد سال ۶۱ بسیاری از سرزمین‌های از دست رفته را با پس بگیرد و بعد از آن استراتژی تعقیب و تنبیه متجاوز را در پیش بگیرد.

■ **پاسخ قاطع به هر تجاوزی**

عامل پیروزی ایران در هشت سال دفاع مقدس، رهبری قوی حضرت امام، خودباوری درونی در کشور، حمایت مردم از ولایت فقیه و نیروهای مسلح و نهایتاً حماسه‌آفرینی رزمندگانی بود که با انگیزه‌های معنوی و روحیه شهادت‌طلبی به مصاف دشمن می‌رفتند. در آن زمان هر چند کمتر کسی نسبت به پیروزی ایران خوش‌بین بود، ولی مردم کشورمان ثابت کردند که توانایی هر کاری را در میدان‌های بزرگ دارند. اکنون نیز همین مردم به پشتیبانی از رهبر انقلاب و حمایت از نیروهای مسلح می‌توانند هرگونه خطای محاسباتی دشمن را به بزرگ‌ترین اشتباه آنها تبدیل کرده و پاسخی پشیمان‌کننده به هر تجاوزی بدهند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۸۸

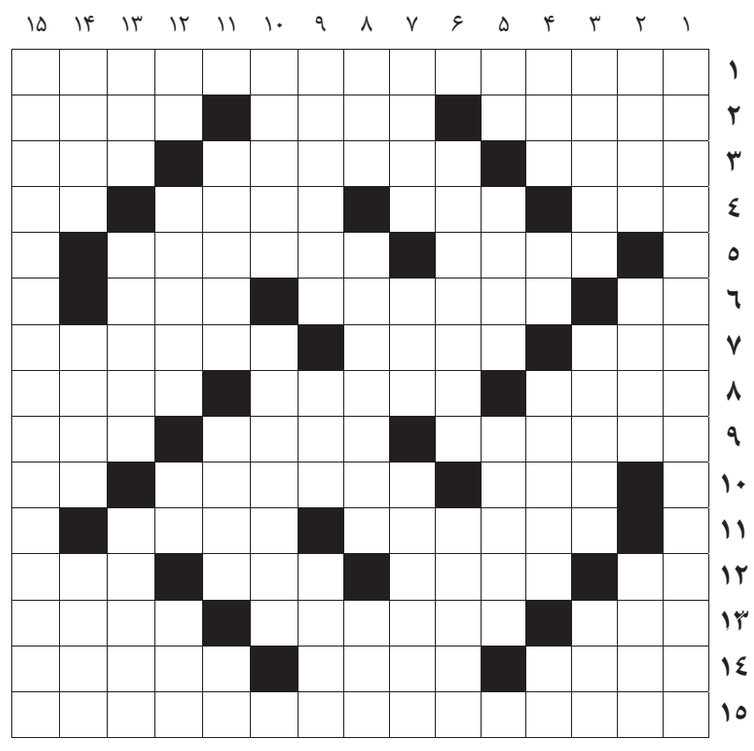

از راست به چپ

■ ۱- کنایه از دقت و باریک‌بینی در امور کم‌اهمیت ■ ۲- پاکیزگی و ادب- آسمان آبستن باران- بویایی ■ ۳- رهبر حزب- اجزای درونی سیتوپلاسم- کارزار ■ ۴- جواب مثبت- الهام خداوندی- آقا و سرور- حرص و طمع ■ ۵- بی ریا- شکمبه گوسفند ■ ۶- دوستی- لقب مصطفی کمال- مهاجم تیم ملی انگلیس ■ ۷- ضامن نشده- ضرباهنگ- از اقوام ترکمن ■ ۸- سالک- از سنگ‌های قیمتی- روال ■ ۹- دیگ سنگی- چهاردیواری اختیاری- نقص ■ ۱۰- نویسنده فرانسوی دور دنیا در هشتاد روز- تیره‌ای از طایفه کلهر- عدد شروع بازی ■ ۱۱- اجنبی- اقیانوس کبیر ■ ۱۲- اجاق گاز- خلق و خو- نیتروژن- مأنوس ■ ۱۳- کوه دست نیافتنی- نام لحن بیست و ششم از سی لحن باربد- برودت ■ ۱۴- پیامبری در شکم ماهی- برقرار و آباد- بنانهادن ■ ۱۵- اثر گوردیمر، برنده نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۱

از بالا به پایین

■ ۱- از کتاب های اربعه فقه شیعه ■ ۲- مهره‌ای در شطرنج- درخشان- روایت‌کننده ■ ۳- عنصر شماره ۸۸- هر چه بر آن سوار شوند- نوعی پرنده کوچک ■ ۴- جریب- کتف- بیماری تورم رگ‌های پا- سیخونک ■ ۵- همراه آشغال- فیلسوف فرانسوی و نویسنده کتاب کاندید- پر نقش و نگار ■ ۶- آمار- رمز موفقیت در کارها ■ ۷- خالق ارژنگ- از حروف یونانی- فیلمی با بازی نگار فروزنده ■ ۸- مقابل ازل- نوشته‌ای در باره مسائل مهم روز در صفحه اول روزنامه- هوش ■ ۹- آنچه از سفال ساخته شود- حق ناحق ابرقدرت ها- سوره سبحان ■ ۱۰- جهانگشای گورکانی- قتل از روی ترحم ■ ۱۱- تخته فیلم برداری- توان- موضوع و مبحث ■ ۱۲- توانایی درک و تشخیص- میراب- حرف انتخاب- دیدنی از رژه ■ ۱۳- سنگ سبز قیمتی- چشمه- تیمی معتبر در فوتبال فرانسه ■ ۱۴- نامی که یونانیان به داریوش، شاه ایران، داده بودند- همدم- پنج شنبه عربی ■ ۱۵- حدیثی از پیامبر در باب ارزش نماز

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۲	۷		۶	۵		
۶					۹			
		۷				۲		
۱	۶		۸					
۳			۱					۷
							۳	۱
۸			۶	۱				
							۴	۳
	۴			۵			۶	

جدول کلمات متقاطع
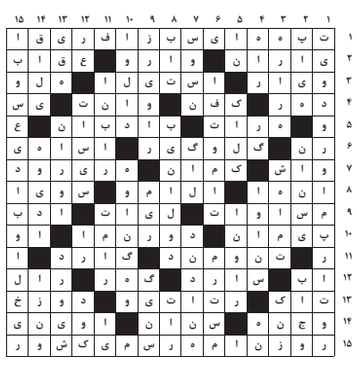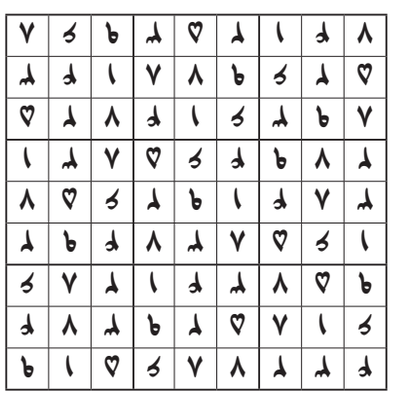
پاسخ جدول شماره ۷۳۸۷